

کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی

* یعقوب توکلی

** رؤیا نژادزنده

چکیده

از آنجا آنکه دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم، مخاطب خود را مردم قرار می‌دهد و شکل‌دهی به افکار عمومی را مد نظر دارد، اخیراً مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و دولت‌ها در تلاش هستند از این طریق منافع ملی خود را تأمین کنند. مفروض مقاله این است که دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ج.ا.ایران پیوند نزدیکی با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد و ایران اسلامی تلاش کرده با اتخاذ سیاست‌ها و بهره‌گیری از نهادها و ابزارهای مرتبط، اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در میان افکار عمومی سایر ملل اشاعه و گسترش دهد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، سیاست خارجی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی،
جمهوری اسلامی ایران.

yaghubtavakoli@yahoo.com

r_zandie@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۳

*. استادیار دانشگاه معارف اسلامی.

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۵/۱۴

مقدمه

در عرصه سیاست خارجی، یکی از ابزارهای سیاسی که نقش آفرینان بین‌المللی را قادر می‌سازد به اهداف سیاسی خود برسند، دیپلماسی است. دیپلماسی عمومی، شکل نوینی از دیپلماسی در دوران حاضر است، که با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم - مثل فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست‌ها - به صورت غیر مستقیم و آرام، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این طریق منافع خود را تأمین می‌کند. ایدئولوژی نیز یکی از این عوامل است. دولت‌ها می‌کوشند با گسترش ایدئولوژی خود، ارزش‌ها و هنجارهای خویش را ترویج دهند و اهداف و منافعشان را تأمین کنند. این امر نیازمند ابزارهایی است که زمینه تحقق چنین هدفی را فراهم آورد. در این مسیر، دیپلماسی عمومی می‌تواند ابزار مناسبی برای پیشبرد این اهداف باشد.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که ایدئولوژی در آن نقش پررنگی دارد. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی اسلامی، جهان‌شمولی، فرهنگی و مردمی است، ج.ا.ایران نیز دارای هویتی اسلامی است و بر این اساس، رسالتی فرامرزی برای خود، به ویژه در حق مسلمانان جهان قائل شده و جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های خود را در این راستا تنظیم کرده است.

بنابراین، بنیان‌های سیاست خارجی ایران با مؤلفه‌های ایدئولوژیک پیوند یافته و این عامل، توضیح‌دهنده بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی ایران است؛ چرا که بسیاری از منافع، ارزش‌ها و اهداف ج.ا.ایران بر اساس همین آرمان‌های اسلامی تعریف و تعیین می‌شوند. این رویکرد از جنبه‌های مختلف بر سیاست خارجی ج.ا.ایران اثرگذار بوده است. ج.ا.ایران تلاش کرده است با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی خود، ملت‌ها و کشورهای دیگر را جذب کند و افکار عمومی مردم جهان، به خصوص ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار دهد. این مقاله به بررسی ارتباط و تعامل بین ایدئولوژی و دیپلماسی عمومی در دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران می‌پردازد. مفروض مقاله این است که دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران، پیوند نزدیکی با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد و ایران اسلامی تلاش کرده است با سیاست‌ها و بهره‌گیری از نهادها، ابزارهای مرتبط با اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در میان افکار عمومی سایر ملل گسترش دهد.

چارچوب نظری

انقلاب ارتباطات، موجب افزایش ارتباطات و تبادل اطلاعات و آگاهی و به تبع، افزایش تعاملات بین‌المللی در سراسر جهان شد. این اتفاق همراه با افزایش ظرفیت و توان مردم در جریان‌های سیاسی، منجر شد که مردم نقش بیشتری برای خود در شکل‌دهی به روند جریان‌های بین‌المللی قائل شوند و با قدرت فزاینده خویش بتوانند بر سیاست‌ها و جهت‌گیری دولت‌ها تأثیرگذار باشند و محدودیت‌ها و چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها به وجود آورند. در نتیجه، افکار عمومی به عنوان نقش‌آفرینی جدید در حوزه سیاست خارجی مطرح شد و دولت‌ها نیز توجه به افکار عمومی را در دستور کار خود قرار دادند و از شیوه‌ها و روش‌های جدیدی برای جلب نظر این عامل جدید و اثرگذار استفاده کردند. این تغییرات، مسئله تصویرسازی از خود و دیگران را که ناشی از تحولات تکنولوژیک از یک سو و اهمیت یافتن افراد از سوی دیگر بود، مطرح کرد و ماهیت و شکل جدیدی به روابط سیاسی داد.

اتفاق دیگر در این دوره، اهمیت یافتن نقش عوامل هنجاری، ارزشی و فرهنگی در سیاست بین‌الملل بود. در واقع، علاوه بر افزایش نقش مردم در سیاست دولت‌ها، منابع قدرت کشورها نیز تغییر کرد. در این شرایط، منابع غیرمادی قدرت به جزئی از منابع قدرت کشورها و ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی تبدیل شد. این منبع در مقایسه با قدرت سخت که مبتنی بر توانایی‌های مادی (اقتصادی و نظامی) است، متکی به توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذب به مؤلفه‌های فرهنگی و هنجاری و ارزشی است.

در واقع، چالش‌ها و نیازهای جدید در دوره بعد از جنگ سرد، تحت تأثیر سه انقلاب مرتبط در ارتباطات جمعی، سیاست و روابط بین‌المللی به وجود آمد: انقلاب در تکنولوژی‌های ارتباطی که دسترسی سریع و آسان و گسترده به اطلاعات را در سراسر جهان مقدور ساخت؛ انقلاب در سیاست که بسیاری از جوامع را از استبداد به دموکراسی تبدیل کرد و مشارکت رو به رشد مردم را در فرایندهای سیاسی به وجود آورد؛ و انقلاب در روابط بین‌المللی که اهداف و ابزار سیاست خارجی را تغییر داده است. در این راستا، به وجود آوردن تصویر مطلوب و شهرت در سراسر جهان، از طریق جذب و ترغیب، هدف اکثر کشورهاست.

قدرت نرم، فرهنگ و ایدئولوژی

قدرت نرم، یعنی توانایی نفوذ و تأثیر در افکار و اندیشه‌ها، با هدف تحمیل خواست و اراده، از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن ملت و دولت هدف، بدون استفاده از زور و فشار فیزیکی. قدرت نرم، تعبیری است که به منظور تعریف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت، برای نفوذ و تأثیر غیرمستقیم در رفتار یا علایق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می‌رود. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۵۴)

نکته در خور توجه این است که قدرت نرم هر کشوری، برآمده از یک دوره تاریخی طولانی مدت است. شیوه تفکر مردم، ایدئولوژی، سنت فرهنگی، ارزش‌ها و عقاید و رسوم قومی، نتایج انباشتی روند تکاملی جوامع بشری هستند. در این فرایند، هر عنصر قدرت معمولاً تحت تأثیر سنت فرهنگی بوده و این در حالی است که هر فرهنگ در مسیر خاصی توسعه می‌یابد. (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۳۲) «ایدئولوژی»، «اعتبار ملی»، «خصوصیات ملی»، «هویت ملی»، «ساختار حکومت»، «موقعیت جغرافیایی» و «مشروعیت نظام سیاسی» از موضوعاتی هستند که در چارچوب «قدرت نرم» مورد توجه قرار می‌گیرند. (حجازی، ۱۳۸۷: ۴)

به عبارت دیگر، قدرت نرم، ناشی از جذابیت ارزش، فرهنگ و سیاست‌های یک ملت است. اگر فرهنگ و هنجارهای یک کشور جذاب باشند و کشوری بتواند قواعد بین‌المللی را هماهنگ با منافع و ارزش‌های خود شکل بدهد، دیگران با تمایل بیشتری از آن کشور پیروی خواهند کرد و اعمال آن کشور در نظر دیگران مشروع خواهد بود. (نای، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

کشورها با سرمایه‌گذاری در دیدگاه‌ها و نیز استفاده از همین جذابیت‌ها اهداف خود را دنبال می‌کنند و وقتی سیاست‌ها و مواضع دولت‌ها اعتبار اخلاقی یابند یا از دیدگاه دیگران مشروع باشند، قدرت نرم افزایش یافته است و باعث می‌شود که مردم با میل و اشتیاق همکاری کنند، نه از سر اجبار. در چنین شرایطی، امکان بهره‌گیری از نشانه‌ها و ابزارهای ارتباط بین فرهنگی، به منظور انتقال ارزش‌ها و فرهنگ هر واحد سیاسی و در نتیجه تأمین منافع ملی آن واحد، اهمیت و مطلوبیت بیشتری خواهد یافت.

فرهنگ نیز یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت نرم است و به معنای عام، عناصری چون آداب

و رسوم، سنت‌ها، مذهب و دین، باورها، خصوصیات و روحیات، تصورات و ایستارهای مشترک، جهان‌بینی و ایدئولوژی، ارزش‌ها و هنجارها و ویژگی‌های اخلاقی را در بر می‌گیرد که از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست خارجی به شمار می‌آیند. در این راستا، ایدئولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی هر جامعه، به چند طریق در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد و به آن شکل می‌دهد:

نخست، ایدئولوژی در تعیین و تعریف هویت و نقش ملی نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند؛ دوم، ایدئولوژی از طریق تعیین هویت و نقش ملی، منافع و اهداف ملی را تعریف می‌کند و به آن شکل می‌دهد؛

سوم، ایدئولوژی قالب فکری خاصی پدید می‌آورد که واقعیت‌ها، پیام‌ها و اشارات محیط خارجی و سایر کشورها در چارچوب آن، معنا، تفسیر و تعبیر می‌شوند؛ چهارم، ایدئولوژی با تعیین مراحل اصلی تحول تاریخی و تکامل اجتماعی - سیاسی، تصویری خاص از وضعیت حال و آینده جهان ارائه می‌دهد که بر اساس آن، چشم‌انداز و افق معینی برای کشور ترسیم می‌کند. در چارچوب این چشم‌انداز، راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی و خاص هر مرحله و مقطع زمانی نیز مشخص می‌گردد؛

پنجم، ایدئولوژی، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را برای داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای خود و دیگر کشورها تعیین می‌کند. (هالستی، ۱۳۷۳: ۵۶۹ - ۵۶۷) در واقع، در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش به جهان فراهم می‌کند و معیارها و ضوابطی مشخص را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا بر اساس آن، اهداف و منافع ملی خود را ترسیم کنند. (ایزدی، ۱۳۸۴: ۱۲)

در این راستا مذهب، هنجارها، باورها و ارزش‌های دینی، به دلیل نقش و جایگاهی که در ساخت قدرت دولت دارند و تأثیر مستقیم و کلیدی آنها در ساختار و روند تصمیم‌گیری و سیاست خارجی، از جایگاه قدرت نرم برخوردارند و می‌توانند رفتار کشورها را تحت تأثیر قرار دهند. گروه‌های مختلف مذهبی در راستای نیل به اهداف خود، درصدد بوده‌اند که جوامع گوناگون را مخاطب قرار دهند و به این ترتیب از قدرت نرم مذهبی خود استفاده کنند.

دیپلماسی عمومی

با توجه به تحولات صورت گرفته در عرصه سیاست بین‌الملل، حکومت‌ها برای دستیابی به هدف‌ها، تحقق ارزش‌ها، یا دفاع از منافعشان باید با اشخاصی ارتباط برقرار کنند که مایلند اعمال و رفتار آنان را متوقف کنند، تغییر دهند، یا سبب ادامه آن گردند. (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۳۲) یکی از ابزارهایی که از دیرباز تاکنون، دولت‌ها برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، از آن استفاده می‌کنند، دیپلماسی است که با تحولات صورت گرفته در عرصه دیپلماسی، در شکل نوینی با عنوان دیپلماسی عمومی مطرح شده است.

دولت‌ها با استفاده از «دیپلماسی عمومی»، می‌کوشند افکار عمومی را با خود همراه سازند تا با مشکلات کمتری به اهداف سیاست خارجی خود برسند. دیپلماسی عمومی با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم، درصدد است دیگران را متقاعد کند از هنجارها و نهادهایی تبعیت کنند که رفتار مطلوب آنها را ایجاد کند. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۹) چنان که بیان شد مخاطبان قدرت نرم، مردم هستند؛ دیپلماسی عمومی نیز جنبه‌هایی از دیپلماسی را در بر می‌گیرد که خارج از حوزه تعاملات معمول دولت‌ها قرار دارد و بیشتر معطوف به نحوه برقراری ارتباط و تأثیر یک کشور بر شهروندان کشورهای دیگر است. از این رو می‌توان پیوند نزدیکی میان دیپلماسی عمومی و قدرت نرم قائل شد. اگر قدرت نرم را توانایی یک کشور برای ترغیب دیگران در حمایت از اهدافش بدانیم، دیپلماسی عمومی سازوکار لازم را به این کشور می‌دهد تا قدرت نرم خود را تقویت و هدایت کند و در نهایت برای کشور قدرت ایجاد کند.

نای و دیگران نیز اشاره می‌کنند که توانایی دیپلماسی عمومی، قدرت نرم تولید می‌کند و تفسیرکننده منابع قدرت نرم در عمل است. جوزف باتورا^۱ بیان می‌کند که دیپلماسی عمومی، شامل همه فعالیت‌های نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی است که به حفظ و ارتقای قدرت نرم کشور کمک می‌کند. (Fitzpatrick, 2007: 195)

دیپلماسی عمومی، تلاش یک دولت برای برقراری ارتباط با عموم یک جامعه دیگر است تا طی این تلاش ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید جامعه خود را برای آنها توضیح دهد

1. Jozef Bátora.

و بدین ترتیب، رابطه، وجهه و شهرت خود را در آن کشور ترسیم کند و ارتقا دهد. (تیلر، ۱۳۸۷: ۶۹) پل شارپ، دیپلماسی عمومی را فرایندی می‌داند که به وسیله آن، ارتباطات مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و رواج ارزش‌هایی که معرفی می‌شوند، پیگیری می‌گردد. (میلسن، ۱۳۸۷: ۵۳)

فردریک، از محققان این عرصه، بیان می‌کند: «فعالیت‌های دیپلماسی عمومی، به زمینه‌های اطلاعاتی، آموزشی و فرهنگی معطوف است، که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن دولت‌های خارجی به واسطه نفوذ در شهروندان آنهاست». کامبس^۱ و سیگنیتزر^۲ «دیپلماسی عمومی را به عنوان روشی که در آن، هم دولت‌ها، هم افراد و هم گروه‌های خصوصی به طور مستقیم و غیر مستقیم گرایش‌ها و عقاید عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آنها به طور مستقیم بر تصمیمات سیاست خارجی دیگر دولت‌ها تأثیر می‌گذارند» تعریف می‌کنند. (Gilboa, 2008: 57)

دیپلماسی عمومی موفق، کمک می‌کند که کشوری بیشتر مورد احترام و تحسین و دلخواه دیگران قرار گیرد. دیپلماسی عمومی از طریق رسانه، صادرات فرهنگی، تنظیم مبادلات و غیره، توجه به این منابع بالقوه را جلب می‌کند. اگر فرهنگ، ارزش و سیاست‌های کشوری جذب نشود، دیپلماسی عمومی‌ای که آنها را منتشر می‌کرد، نمی‌تواند قدرت نرم تولید کند و ممکن است فقط مخالفت ایجاد کند. به عنوان مثال، صادرات فیلم‌های هالیوودی خشونت‌آمیز و غیراخلاقی به کشورهای مسلمان، ممکن است به جای قدرت نرم، دافعه ایجاد کند. (Nye, 2008: 95)

از وظایف اصلی دیپلماسی عمومی، برقرار کردن روابط؛ درک نیازهای دیگر کشورها، فرهنگ‌ها و مردم؛ مرتبط کردن دیدگاه‌ها و نظرها؛ اصلاح سوءتفاهم‌ها؛ جستجوی حوزه‌هایی که می‌توان در آنها اهداف مشترک یافت؛ دانستن نیات واقعی یکدیگر و تعریف دقیق عبارات و مفاهیم برای طرفین؛ بحث در مورد تفاوت‌ها و در نهایت، پذیرش دیگر دیدگاه‌ها و احترام به آنهاست. در واقع دیپلماسی عمومی از طریق برقراری روابط مبتنی بر اطمینان و اعتماد،

1. Coombs.
2. Signitzer.

امکان ایجاد رابطه دیپلماتیک را فراهم می‌کند و برای تعامل و ارتباط طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر، اقداماتی انجام می‌دهد.

دیپلماسی عمومی، از ابزارهای رسانه‌ای و امکانات ارتباطی در حوزه سیاست خارجی، برای تأثیر بر مردم دیگر کشورها استفاده می‌کند. این فرایند، نیازمند طیف وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، رسانه‌ای و سیاسی است؛ به گونه‌ای که بتواند نگرش مردم را تحت تأثیر قرار دهد و توجه آنها را جلب کند.

چنان‌که بیان شد، قدرت نرم، توانایی جذب دیگران به وسیله جذابیت‌ها، ارزش‌های فرهنگی، باورهای سیاسی و ایدئولوژیکی یک ملت است. از آنجا که خاستگاه و مخاطب ایدئولوژی اسلامی، نوع انسان است و به دنبال اثرگذاری و جذب افکار عمومی است؛ همچنین با توجه به آنکه دیپلماسی عمومی هم مجموعه‌ای از اقدامات برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌هاست، ابزار مناسبی برای پیشبرد باورها و کنش‌ها و هنجارهای ایدئولوژیک، به خصوص ایدئولوژی اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین، سه مؤلفه (قدرت نرم، ایدئولوژی، دیپلماسی عمومی) می‌توانند در ارتباط با یکدیگر عمل کنند و در خدمت دستگاه سیاست خارجی کشورها برای تأمین اهداف و منافع آنان باشند.

هنگامی که از ج.ا.ایران صحبت می‌کنیم، در وهله نخست، این صفت اسلامی است که تعیین‌کننده مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هاست و هویتی اسلامی برای این کشور ایجاد کرده است و تأثیری تعیین‌کننده بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی‌اش در صحنه نظام بین‌الملل دارد. در واقع ج.ا.ایران بازتاب اصول ایدئولوژی اسلامی است که در قالب گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

دولت ج.ا.ایران بر اساس این هنجار هویتی، نوعی رسالت جهانی و اسلامی برای خود قائل می‌شود و وظایف و تکالیف دولت اسلامی را بر عهده می‌گیرد که فراتر از مرزهای جغرافیایی و منافع ملی، بلکه در جهت تکالیف دینی و منافع اسلامی است. این دولت بر اساس همین نگرش و عقیده، اصول و اهداف و منافع خود را در عرصه نظام بین‌الملل تدوین و در چارچوب آن عمل می‌کند.

اصول، منافع و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ا

۱. اصول سیاست خارجی ج.ا.ا ایران در چارچوب قانون اساسی

منظور از اصول سیاست خارجی، پایه‌ها و استوانه‌هایی است که بر اساس قانون اساسی و مبانی نظری و عملی مشروع در یک کشور بنا شده‌اند. سیاست خارجی ج.ا.ا ایران بر اصول ثابت و پایداری استوار است که در عرصه بین‌المللی، رفتار و کنش سیاست خارجی را هدایت می‌کنند. در چارچوب این اصول، سیاست خارجی ایران اهدافی مشخص را تعریف و پیگیری می‌کند. جهت‌گیری کلی یا استراتژی سیاست خارجی نیز متناسب با این اصول و اهداف، تعیین می‌گردد. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

از آنجا که انقلاب ایران بر پایه ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته است، در جمهوری اسلامی ایران این هویت اسلامی، تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که بیش از همه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ج.ا.ا ایران با تعریف خود به اسلامی بودن، عناصر دینی و ایدئولوژیک را که منافع و اهداف سیاست خارجی و چگونگی هدایت آن را تعیین می‌کنند، لحاظ کرده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۱) بر این اساس، نگاه انقلاب و به تبع آن قانون اساسی جمهوری اسلامی به محیط بیرونی خود، نگاهی توأم با باورهای اسلامی، به ویژه فرهنگ تشیع است.

بر اساس اصل چهارم قانون اساسی و بند ۱۶ اصل سوم، کلیه قوانین و مقررات سیاست خارجی کشور باید بر اساس موازین اسلامی باشد. بر اساس این اصل، ماهیت انقلاب اسلامی ایران، اسلامی است. لذا به طور طبیعی، نه تنها در سیاست خارجی، بلکه در سیاست‌گذاری‌های داخلی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نیز باید اصول و مقررات و معیارهای اسلام مد نظر قرار گیرد. طبق قانون اساسی، هیچ قانونی در جمهوری اسلامی ایران نباید با قوانین اسلام مغایرت و تضاد داشته باشد. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۱۴۲) از جمله اصول مندرج در قانون اساسی که درباره سیاست خارجی است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بند ۱۶ اصل سوم: «تنظیم سیاست خارجی کشور باید بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان صورت گیرد».

اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر ابرقدرت‌های سلطه‌گر، و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، استوار می‌باشد».

اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان را در کل جامعه بشری آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند».

بر اساس مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی و عملکرد نظام سیاسی، می‌توان به‌طور نسبی، این اصول و مبانی را برای سیاست خارجی ایران قائل شد: ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، دادن اولویت به جهان سوم، مبارزه با اسرائیل و دفاع همه‌جانبه از نهضت اسلامی فلسطین، ترجیح دادن ملت‌ها به دولت‌ها در روابط بین‌المللی، ترجیح دادن نهضت‌ها بر دولت‌ها در روابط بین‌المللی.

همچنین مواردی مانند ایجاد وحدت بین مسلمانان، تلاش برای برقراری حکومت جهانی اسلام، حاکمیت موازین اسلامی، ترجیح دادن اعتقادات بر منافع اقتصادی و تجاری در روابط دوجانبه، داشتن تعهد در برابر پیمان‌ها و قراردادهای و حضور در مجامع بین‌المللی، اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط میان دولت و اصل دعوت، در راستای پیشبرد اهداف اسلامی و فراملی قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستند.

۲. اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند سایر دولت‌ها، در سیاست خارجی خود دارای ارزش‌ها و اولویت‌هایی است که می‌توان آنها را در اهداف سیاست خارجی مشاهده کرد. می‌توان گفت که اهداف سیاست خارجی ایران از دو مقوله خارج نیست: ۱. تأمین منافع ملی ایران، ۲. اجرای وظایفی که اسلام بر دوش حکومت ج.ا.ایران نهاده است. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۱۵۹) در این زمینه، اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران را می‌توان در قالب اهداف ملی و فراملی مطالعه کرد. در این پژوهش، تأکید اصلی بر اهداف و منافع ایدئولوژیک است که عبارتند از: حفظ و

گسترش مجموعه‌ای از ارزش‌های ایرانی، اسلامی و انقلابی که ملت ایران در آن سهیم و شریک بوده و درستی، مطلوبیت، عمومیت و جهان‌شمولی آن را باور دارند. بدین ترتیب، ایدئولوژی اسلامی و ارزش‌های دینی و انقلابی، بخش مهمی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

اهداف و منافع ملی سیاست خارجی، تمامی ارزش‌های ملی را در بر می‌گیرد و شامل هدف‌های عام و دائمی است که ملت و دولت در راه تحقق آنها فعالیت می‌کنند. از اهداف و منافع ملی که به بحث حاضر مرتبط هستند، می‌توان به رواج فرهنگ و تمدن ایرانی با تبلیغ و بهره‌گیری از قدمت تاریخی و سابقه اصالت تمدن و فرهنگ کشور؛ حفظ ارزش‌های دینی و انقلابی؛ حفظ و استمرار انقلاب اسلامی؛ وجهه بین‌المللی و اعتبار جهانی اشاره کرد. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

بر این اساس، جمهوری اسلامی یکی از اهداف سیاست خارجی خود را کسب شهرت و افزایش اعتبار بین‌المللی قرار داده است. کسب اعتبار بین‌المللی از آن‌رو برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد که بعضی از قدرتها تلاش کرده‌اند چهره منفی از آن در سطح بین‌المللی نمایش دهند؛ چنان‌که از همان اوایل انقلاب، جمهوری اسلامی را ناقض حقوق بشر، ضد دموکراتیک، حامی تروریسم و جنگ‌طلب معرفی کرده‌اند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸ الف: ۱۴۸) اصولاً تأمین این هدف در سه مرحله صورت می‌گیرد: نخست، خنثی‌سازی تبلیغات و تصاویر غیرواقعی از جمهوری اسلامی ایران که دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند؛ دوم، نمایش تصویر واقعی و مثبت از جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی؛ مرحله سوم در راه کسب حیثیت و وجهه بین‌المللی، نمونه‌سازی و الگوپردازی جمهوری اسلامی است. (همان: ۱۵۶)

۳. اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران

مسئله بعدی، مقوله انجام وظایفی است که اسلام بر دوش حکومت اسلامی نهاده است و ایدئولوژیک است و ارتباط مستقیم با دین اسلام دارد. از آنجا که خاستگاه سیاست خارجی ج.ا. ایران، ماهیت فراملی انقلاب اسلامی و هویت اسلامی نظام جمهوری اسلامی است، اهداف فراملی یا اسلامی در چارچوب منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران تعیین و تعریف

می‌شوند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امت‌گرایی به عنوان یکی از اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی مطرح شد که بر اساس آن، حوزه مسئولیت ج.ا.ایران، حوزه جهان اسلام است. در نتیجه، منافع ملی تحت تأثیر منافع جهان اسلام است.

مطابق قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی بر مبنای توحید بنا شده، و هدف نهایی‌اش «حرکت به سوی الله» است و مسئول است که با ائتلاف و اتحاد اسلامی، وحدت همه‌جانبه جهان اسلام را تحقق بخشد. با چنین برداشتی، آشکار است که اهداف نظام در همه زمینه‌ها، در راستای تحقق هدف نهایی، یعنی «حرکت به سوی الله» خواهد بود. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۵)

الف) وحدت جهان اسلام و تشکیل جامعه جهانی اسلامی

یکی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی و نیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی، وحدت جهان اسلام و استقرار جامعه واحد جهانی اسلامی است. قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد و مبارزه برای نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان، قوام یابد. (مقدمه قانون اساسی) این نگاه اسلامی، جهان را نظامی بین‌الملل مرکب از واحدهای ملی نمی‌بیند؛ بلکه جهان اسلام یک کل یکپارچه و نفوذناپذیر تصور می‌شود. وظیفه همه دولت‌های اسلامی نیز فقط وحدت است و سرزمین‌های اسلامی جدا از هم و تمام مسلمانان جهان، باید با فائق آمدن بر اختلافات سیاسی و اقتصادی خویش، یک جامعه واحد اسلامی تجزیه‌ناپذیر را پایه‌گذاری کنند.

این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است. اصل ۱۱ قانون اساسی

وظیفه دولت جمهوری اسلامی را در این‌باره چنین تعریف می‌کند:

به حکم آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

ب) صدور انقلاب

در قانون اساسی بیشترین توجه در چارچوب اصول سیاست خارجی، به صدور انقلاب بوده است. سیاست صدور انقلاب، به دلیل جهان‌شمول بودن دین اسلام و به عنوان یکی از اهداف و تجویزهای مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مورد تأکید است. رسالت جهانی و جهان‌شمولی اسلام از یک سو و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، صدور انقلاب را به فراسوی مرزهای ایران، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. ایران اسلامی، صدور انقلاب و تبلیغ ارزش‌های اسلامی را از وظایف و تعهدات خود می‌داند و از این طریق تلاش کرده است بر تصاویر ذهنی مخاطبان و الگوهای رفتار، اثرگذار باشد. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۲)

جمهوری اسلامی ایران در پیگیری این سیاست، دو هدف آشناسازی ملت‌ها با سرنوشت و منطقه خویش و برقراری جامعه اسلامی واحد را دنبال می‌کند، تا اسلام نقش سرنوشت‌ساز خود را در جامعه‌سازی ایفا کند. (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۱) البته صدور انقلاب به شکل مسالمت‌آمیز مد نظر است و هدف، آگاهی دادن به ملت‌هاست. صدور مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی به سه روش تحقق می‌یابد: حمایت معنوی و غیرنظامی از نهضت‌های آزادی‌بخش، الگوبرداری و سرمشق بودن، تبلیغات. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۲) از دید امام خمینی، صدور انقلاب به کشورهای جهان سوم و ممالک مستضعف، از یک سو نیازمند بنیان‌های نظری از قبیل ایدئولوژی جهان‌شمول استبدادستیزی و هژمونی‌ستیزی است و از سوی دیگر، به پایه‌های عملی و قابلیت‌هایی از قبیل توان سازماندهی عملیاتی، شبکه‌سازی انقلابی، امکانات، اراده، حیثیت و اعتبار، قدرت معنوی و توانایی و پویای فرهنگی نیاز دارد.

ج) حفظ کیان اسلام

جمهوری اسلامی ایران بر پایه تکالیف و مسئولیت‌های فراملی و اسلامی خود و در چارچوب اصل حمایت و دفاع از مسلمانان، موظف به دفاع از کیان اسلام و انقلاب است. اصول سیاست خارجی ایران عبارتند از: نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه، دفاع از حقوق مسلمانان، تعهد نداشتن در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب. بر اساس این اصل، جمهوری اسلامی هرگونه

سلطه از جانب دولت‌های دیگر را رد می‌کند و درصدد به فعل درآوردن توانایی‌های مستضعفان جهان و بسیج امت‌ها برای مقابله با استکبار جهانی است. این اصل، ج.ا ایران را ملزم می‌سازد به عنوان نماینده حکومت اسلامی، در هر گوشه‌ای از جهان، از مسلمانانی که به حقشان تجاوز می‌شود، دفاع کند و در حد توان، جلوی تجاوز ظالمان به آنها را بگیرد. همچنین با گسترش روابط خود با دیگر ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی و مردمی و با انتقال دستاوردهای انقلاب اسلامی، می‌کوشد مبارزه ملت‌های محروم و تحت ستم در سرتاسر جهان تقویت شود. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۶ و ۷۷) از این رو، پشتیبانی جمهوری اسلامی از ملت فلسطین و شیعیان عراق و لبنان و بحرین، و دیگر جنبش‌های اسلامی، به منظور حفظ موجودیت اسلام و کشورهای اسلامی است.

د) دعوت

یکی از مهم‌ترین اصول اساسی اسلامی که ماهیت روابط خارجی را از دیدگاه اسلام تبیین می‌کند، «اصل دعوت» است. این اصل به دلیل رسالت جهانی دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، نوعی تکلیف سیاسی و دینی برای دولت اسلامی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، اصل دعوت با دو نگرش تبیینی و ترویجی، ماهیت و چگونگی دعوت یا جهاد و همچنین صدور انقلاب را مشخص می‌کند. علاوه بر این، در پرتو اصل دعوت و تصور جامعه آرمانی امت واحده اسلامی، توجه به همگرایی جهان اسلام و اولویت روابط ملت‌سازانه بین‌المللی نیز شاخص اصلی برون‌داد سیاست خارجی می‌گردد. (موسوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱۳)

۴. سند چشم‌انداز بیست ساله

در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله نیز شاهد توجه به اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران و تکلیف و وظیفه ج.ا ایران درباره ارزش‌ها و منافع اسلامی هستیم. در سند چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، دارای هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

برخی ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز عبارتند از:

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام؛
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.
- همچنین در بخش مناسبات سیاسی و روابط خارجی، به این موارد اشاره شده است:
- تحکیم روابط با جهان اسلام، ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی، تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی؛
- تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی؛
- تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی؛
- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق ایشان و تسهیل مشارکتشان در توسعه ملی.

در تمام مواردی که پیش‌تر با عنوان ارزش‌ها، اهداف ملی و فراملی و اسلامی ایران مطرح شد، توجه به مردم سایر کشورها، به خصوص کشورهای مسلمان، تحت تأثیر قرار دادن آنها و حمایت از آنها، مشخص و برجسته است. این تأکید مکرر نشان می‌دهد که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ارتباط با مردم سایر کشورها جزو اولویت‌ها و اهداف اساسی سیاست خارجی محسوب می‌شود که باید با استفاده از ابزارهای مناسب، آن را تأمین و پیگیری کرد.

دیپلماسی عمومی ایران

۱. نقش ایدئولوژی در دیپلماسی عمومی ایران

سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی در ذات یا ماهیت خود، دیپلماسی یک دولت نیست و به مرزهای حقوقی و رسمی آن محدود نمی‌شود، بلکه دیپلماسی انقلاب اسلامی

است. از آنجا که مخاطب انقلاب اسلامی ملت‌ها هستند، ایران اسلامی کوشیده است از طریق طرح ارزش‌ها در سیاست خارجی خود، افکار عمومی مردم جهان، به ویژه ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های خود را تبدیل به هنجار سازد. (دهشیری، ۱۳۸۵)

تصمیم‌سازان کلان جمهوری اسلامی معتقدند: اسلام در مقام ارشاد، همه جا خطابش به مردم، «الناس» بوده است. به این ترتیب، واضح است که با توجه به اسلامی بودن انقلاب و جهان‌شمولی این مکتب، سیاست خارجی کشور نمی‌تواند خود را در محدوده اهداف ملی یا حتی منطقه‌ای محبوس کند. با توجه به این رسالت مهم و جزو تغییرناپذیر این اصل سیاست خارجی، ج.ا. ایران از نظر فکری و ایدئولوژیک باید سیاستی پیشرو، فعال و پویا داشته باشد. از این رو در دستگاه دیپلماسی ج.ا. ایران، اهداف کلانی نظیر نفوذ در ملت‌های منطقه، حمایت از جنبش‌های اسلامی و کمک به مستضعفان جهان، وجاهتی اسلامی و جایگاهی رفیع می‌یابد. (پیشگامی فرد و زارعی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

جمهوری اسلامی با مخاطب قرار دادن مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان و بهره‌گیری از پیام استقلال‌طلبانه و استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان، مطرح کردن استقلال، آزادی و عدالت‌خواهی در عرصه بین‌المللی و با آگاهی‌بخشی به افکار عمومی جهانی، خواستار متحول‌سازی محیط بین‌المللی است. ترویج برادری ملت‌های مسلمان و اخوت اسلامی که در ادامه، دولت‌های اسلامی را نیز شامل می‌شود، یکی از محورهای اساسی کوشش‌های دولت جمهوری اسلامی است. برادری، سوءظن متقابل و برداشت‌های منفی فزاینده را از بین خواهد برد و نزدیکی و اعتماد جایگزین می‌شود (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۰۵ - ۱۰۳) انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد وحدت ملت‌های مسلمان و تحقق پروژه امت‌سازی برآمد. این مهم از یک سو بر پایه مبارزه‌ای مثبت استوار بود؛ یعنی بر باورهای اصیل اسلامی و نیز آیین‌ها و مراسم سنتی دینی تکیه داشت و شالوده سازمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی را بر باورها و نیز فرهنگ‌ها و آیین‌های مشترک اسلامی پایه‌گذاری می‌کرد؛ از سوی دیگر، بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک استوار بود که حساسیت مسلمانان را به تحولات جهان اسلام و

ضرورت ارتقای روح جمعی آنان نشان می‌داد.

جمهوری اسلامی ایران تمایل دارد با احیای ژئوپولیتیک جهان اسلام، اهمیت جغرافیای فرهنگی جهان اسلام را آشکار سازد و با اهتمام به انسجام‌یابی مسلمانان، قدرت اسلام را در ایجاد دگرگونی‌های اساسی در جغرافیای سیاسی منطقه، به منصفه ظهور رساند و اسلام را در کانون توجه نخبگان سیاسی، فکری و فرهنگی جهان قرار دهد. (دهشیری، ۱۳۸۸) در این رهیافت، تبلور وحدت اسلامی بین دولت‌های مسلمان و جوامع اسلامی، می‌تواند به اتحاد در برابر ابرقدرت‌ها بینجامد.

همچنین جمهوری اسلامی با تقویت بنیادهای تمدن اسلامی در سطح اجتماعی، بر تعامل و همکاری فرهنگی و بازرگانی جوامع مسلمان و تحکیم روابط دوستی و برادری، تأکید می‌کند. در سطح سیاسی نیز بر ضرورت تعامل دولت‌ها با ملت‌ها و اهتمام رهبران سیاسی به تحقق خواسته‌های ملت‌های مسلمان پای می‌فشرد و در سطح فرهنگی بر تبادل اندیشه‌ای میان تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها تأکید می‌ورزد. (دهشیری، ۱۳۸۵) در این نگرش، دولت‌ها به دنبال ملت‌هایشان حرکت می‌کنند و باید بکوشند ظرفیت‌های موجود در اجتماع مسلمانان را در تداوم تعاملات با یکدیگر، احیا و جاری کنند.

۲. استراتژی‌ها و راهبردهای ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی

جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر، سیاست‌هایی در دستور کار خود قرار داده است که به واسطه آنها بتواند بر قدرت و نفوذ فرهنگی خود در سطح منطقه‌ای و جهانی بیفزاید و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. در سیاست خارجی ج.ا. ایران، ارتباط و تعامل با کشورهای اسلامی از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. تنش‌زدایی منطقه‌ای و کوشش در جهت اعتمادسازی متقابل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به خصوص با کشورهای جهان اسلام و نیز جهان سوم، در محوریت برنامه‌های ج.ا. ایران قرار دارد. از جمله استراتژی‌ها و راهبردهای ج.ا. ایران برای پیشبرد این سیاست، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای و گسترش همکاری‌های دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی با همه کشورهای مسلمان و جهان‌سومی؛ تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه

تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و عرضه دکرترین مردم‌سالاری دینی به کشورهای اسلامی؛ همزیستی توأم با واقع‌بینی با کشورهای مسلمان منطقه و نیز تعاملات گسترده با کشورهای آفریقایی و اسلامی فرامنطقه‌ای؛ سیاست نگاه به شرق و جنوب - جنوب با تأکید بر کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین. جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن این سیاست‌ها، زمینه‌های همگرایی میان کشورهای اسلامی را تسهیل می‌کند.

همچنین با تلاش برای ایجاد درهم‌آمیختگی‌های فرهنگی، اقتصادی و دینی وسیع با بسیاری از کشورهای منطقه و تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی و گسترش دامنه ارتباطات و تعاملات با جهان اسلام در عرصه ایجاد بازار مشترک اسلامی، بانک اسلامی، بورس اسلامی و ماهواره اسلامی و تحکیم مراودات صلح‌محور؛ تلاش در جهت گسترش همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای بین ملت‌های مسلمان، بخشیدن هویتی تازه به جهان اسلام؛ در پی ایجاد همکاری‌های دینی بین کشورهای اسلامی و اتحاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام در جهت تشکیل قطب اسلام در نظام آینده بین‌الملل است. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۹ - ۷؛ حجازی، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۴؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۴)

ج. ایران در راستای تحقق اهدافش، گسترش همکاری‌های چندجانبه در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده است. تقویت و تسهیل حضور فرهنگی در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی؛ مشارکت فعالانه در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی به منظور خنثی‌سازی سیاست‌های ضد ایرانی و کسب پرستیژ در سطح نظام بین‌الملل؛ تقویت تشکل‌های غیردولتی و همکاری با کشورهای اسلامی به منظور حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی؛ مشارکت فعال در اعطای کمک‌های بشردوستانه؛ تقویت همکاری سازمان کنفرانس اسلامی با سایر سازمان‌های بین‌المللی؛ تلاش برای گسترش همکاری‌های آموزشی و فرهنگی در چارچوب سازمان فرهنگی آموزشی ایسکو^۱ وابسته به سازمان کنفرانس

1. ISC.

اسلامی، تأسیس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی و اجلاس کمیته هماهنگی و اقدام مشترک اسلامی؛ حاکی از تمایل ایران به حضور در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای ارتقای وجهه منطقه‌ای و بین‌المللی و تقویت جایگاه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و جهانی است. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۹ - ۷؛ حجازی، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۴؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۴)

۳. اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای دیپلماسی عمومی

از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای گسترش اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ‌سازی در میان سایر ملل، موارد ذیل اهمیت دارد:

- اعزام طلاب به سرزمین‌های اسلامی در قالب مأموریت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت؛
- برپایی مراسم هفته وحدت؛
- برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه‌السلام با حضور هیئت‌ها و میهمانان خارجی، به خصوص از جهان اسلام و برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و همایش‌ها در کشورهای مختلف به همین مناسبت؛
- برپایی مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، دعوت از میهمانان خارجی و اعزام هیئت‌ها به خارج؛ (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۴)
- برگزاری همایش و نمایشگاه‌های بین‌المللی قرآن کریم با هدف وحدت امت اسلامی و توسعه فرهنگ قرآنی؛
- برپایی سمینار و همایش جنبش‌های آزادی‌بخش و بیداری اسلامی و همایش اندیشه اسلامی؛
- برپایی سمینار بین‌المللی کارکردهای حج و هم‌اندیشی حج و جهانی شدن؛
- برگزاری هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی؛
- برگزاری سمینارهای بین‌المللی گفتگوی اسلام و مسیحیت؛
- برگزاری کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛
- صدور فیلم‌های دارای محتوای غنی فرهنگی و اسلامی و تلاش برای گسترش زبان فارسی؛

- فعالیت انجمن‌های اسلامی - دانشجویی ایران در خارج از کشور؛

- برگزاری جشنواره‌های فیلم، عکس، کتاب و فروش فیلم؛

- ترجمه کتاب و برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و ارسال کتب و نشریات دینی و

آموزشی (به عنوان مثال ترجمه کتاب‌های امام خمینی ره، دکتر علی شریعتی، شهید مطهری، علامه طباطبایی)؛

- بورسیه کردن طلاب و دانشجویان از کشورهای اسلامی (بازگشت آنها به وطن، با

ترویج و تبلیغ اسلام با نگرش‌های ایرانی و انقلابی همراه است). در حال حاضر، ۱۶ هزار

دانشجوی غیر ایرانی در ایران تحصیل می‌کنند؛ ۳۵۰۰ دانشجو در دانشگاه‌های کشور و بقیه

در دانشگاه جامعه‌المصطفی و حوزه‌های علمیه در علوم دانشگاهی و علوم اسلامی مشغول

تحصیل هستند. دانشجویان خارجی از کشورهای افغانستان، عراق، کشورهای آسیای میانه،

کشورهای عربی، کشورهای آفریقایی و برخی دیگر از کشورها برای تحصیل به ایران

آمده‌اند؛ (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۶۰ و ۱۶۱)

- تقویت همکاری علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای مسلمان و سرعت و

عمق بخشی به جریان تولید اندیشه اسلامی؛

- راه‌اندازی و تشدید جنبش‌های اصلاح طلب دینی و حرکت‌های اسلامی (انتفاضه، جهاد

اسلامی، حماس در فلسطین، حزب‌الله لبنان، تأثیر بر جنبش اخوان المسلمین و جنبش‌های

پاکستان، ترکیه، بحرین، الجزایر و مراکش، و در حال حاضر تأثیر بر حرکت بیداری اسلامی

در کل منطقه) و تأثیر بر مسلمانان و شیعیان عراق، عربستان، پاکستان، بحرین، یمن، ترکیه،

سوریه و...؛

- ایجاد مؤسسات خیریه و فرهنگی (مانند کمیته امداد امام خمینی و مؤسسه خیریه و

آموزشی امام خمینی در پاکستان)؛

- توزیع گسترده نوارهای مذهبی و سخنرانی رهبران دینی و خطبای مشهور اسلامی در

دانشگاه‌های کشورهای مسلمان و نیز افزایش روزافزون تعداد مساجد و نقش تبلیغاتی آنها به

عنوان پایگاه‌های ارتباطی سنتی دانشجویان و روشنفکران؛

- تأسیس مدارس مذهبی ارزان قیمت یا رایگان در مناطق مختلف جهان، به خصوص آفریقا. در این مدارس در کنار دروس رسمی سازمان آموزش و پرورش آفریقا، دروس دینی و تعالیم سیاسی مدنظر، آموزش داده خواهد شد. معلم‌های این مدارس، از معلم‌های اعزامی ایرانی یا معلم‌های آفریقایی هستند که دوره‌های آموزشی لازم را در ایران گذرانده‌اند؛

- راه‌اندازی رادیو سواحیلی برای بخشی از مردم آفریقا به منظور مبارزه با سیطره فرهنگی - سیاسی غرب بر ذهن آفریقاییان؛

- راه‌اندازی سایت اسلام اورینته، خبرگذاری پرنسا اسلامیکا، رادیو قبله؛ ایجاد کرسی‌های اسلام شناسی و ایران‌شناسی در آمریکای لاتین؛

- راه‌اندازی شبکه‌های العالم، پرس تی وی، سحر، جام جم، ...؛

- مطرح شدن ایران به عنوان مرکز تجارت الکترونیکی کشورهای اسلامی و تشویق کشورهای اسلامی به تشکیل بازار مشترک تجاری؛

- اعلام شعار اتحاد ملی، انسجام اسلامی که متضمن دو محور و مقوله اساسی در مسیر بهره‌مندی جهان اسلام از قدرت نرم بالقوه خود است: رویکرد داخلی (اتحاد ملی) در رابطه با مرزهای جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی، اقوام و گروه‌های اجتماعی و سیاسی موجود در درون آن معنا می‌یابد و رویکرد برون مرزی (انسجام اسلامی) معطوف به اتحاد و انسجام ملل مسلمان و امت واحد اسلامی است. (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۲)

۴. نهادها و مراکز مرتبط با دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران.

برای اجرای اقدامات یادشده، مراکز و نهادهای مختلفی به کار گرفته شده‌اند؛ از جمله: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: اهداف آن عبارتند از: آگاهی جهانیان از مبانی و اهداف انقلاب اسلامی؛ گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف، به ویژه مسلمانان و مستضعفان جهان؛ فراهم آوردن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان.

سازمان تبلیغات اسلامی: سازمان تبلیغات اسلامی از جمله نهادهایی است که با هدف اعتلای فرهنگ اسلام و تعیین و ترویج شاخص‌های اعتقادی، بنا نهاده شد.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: مأموریت این سازمان، صدور ارزش‌های معنوی و

فرهنگی انقلاب و گسترش اسلام در جهان است.

انجمن‌های اسلامی - دانشجویی در خارج از کشور: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور، از تشکل‌های دانشگاهی و پایگاهی برای متحد کردن دانشجویان است که ضمن آشنا کردن آنها با آموزه‌های مکتب اسلام، وضعیت سیاسی داخل و خارج از کشور را به آنان اطلاع می‌دهد.

مجمع جهانی اهل بیت (ع): اهداف این سازمان عبارتند از: احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلام ناب و حراست از حریم قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)؛ ایجاد و تقویت وحدت در بین همه ابناء امت اسلام، به‌ویژه پیروان اهل بیت (ع).

مجمع تقریب مذاهب: اهداف این مجمع عبارتند از: احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و دفاع از حریم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص)؛ ایجاد آشنایی و تفاهم بیشتر بین علما، متفکران و پیشوایان مذهبی جهان اسلام در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اجتماعی و سیاسی؛ گسترش اندیشه تقریب بین اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمان و آگاه کردن آنان از توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان.

مرکز جهانی علوم اسلامی: این مرکز، نهادی آموزشی و پژوهشی است که ماهیتی حوزوی - دانشگاهی دارد. این دانشگاه غیردولتی، بهره‌مند از تجارب حوزه‌های علمیه و مجهز به دانش روز، وظیفه آموزش علوم اسلامی و انسانی به دانش‌پژوهان غیرایرانی و تبیین، تولید، نشر و گسترش فرهنگ و اندیشه دینی و معارف اهل بیت (ع) در عرصه جهانی را بر عهده دارد. (سایت آینده روشن)

مرکز نشر معارف اسلامی در جهان: از فعالیت‌های اساسی این مرکز، نشر متون اسلامی از جمله قرآن و نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه به زبان‌های مختلف است. این مرکز تنها به زبان‌های رایج و فراگیر اکتفا نکرده و آثاری را به زبان‌های محلی و منطقه‌ای نیز ترجمه کرده است. همچنین حدود ۱۰ میلیون جلد کتاب اعتقادی را به علاقه‌مندان پژوهش‌های اسلامی در ۱۱۰ کشور جهان اهدا کرده است.

این مراکز و نهادها هرکدام با اقدامات مؤثر خود، اهداف جمهوری اسلامی ایران را در

زمینه گسترش ایدئولوژی اسلامی و انقلابی پیگیری می‌کنند و فعالیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند که نقش مؤثری در سایر کشورها دارند. تعامل مؤثر و سازنده جمهوری اسلامی با دیگر ملت‌های جهان در چارچوب مؤلفه‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، موجب توسعه آگاهی در زمینه گسترش ارتباطات منطقه‌ای و وجوه و رویکردهای مشترک، اعتلای ارزش‌های مشترک اخلاقی و ارتقای قابلیت‌های نرم‌افزارانه فرهنگ اسلامی خواهد شد.

نتیجه

در ج.ا.ایران هنجارهای دینی و ارزش‌های سیاسی نیز از منابع قدرت نرم به شمار می‌روند. این ارزش‌های اسلامی که در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مؤثر بودند، نحوه عمل ج.ا.ایران در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی خارجی و بین‌المللی و نیز فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داده و به صورت متقابل، اسباب تأثیر سیاست خارجی ایران بر محیط بین‌الملل و افکار عمومی را فراهم آورده‌اند.

بر اساس ویژگی جهان‌شمولی، فرهنگی و مردم‌محور بودن ایدئولوژی اسلامی و به تبع آن، انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی ج.ا.ایران نمی‌تواند پیام خود را در مرزهای خاصی محدود کند، بلکه ماهیت و سرشتی جهانی و فرامرزی برای خود قائل است. در این برداشت، همه مسلمانان، یک امتند و دولت ج.ا.ایران موظف است سیاست خود را بر پایه اتحاد ملل اسلامی قرار دهد. بنابراین، سیاست خارجی ج.ا.ایران در خدمت اهداف امت اسلامی است و منافع آنها را در اولویت قرار می‌دهد.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که ج.ا.ایران در عرصه سیاست خارجی، تلاش دارد با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی عمومی، ارزش‌های ایدئولوژیک خود را در نظام بین‌الملل ترویج دهد. همچنین طبق موازین دینی، فرهنگی و ارزشی انقلاب اسلامی، با عرضه کالاهای فرهنگی به کشورهای اسلامی و بهره‌گیری از امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی، به منظور تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و اسلامی، پیام خود را به مخاطبان انتقال می‌دهد و کنش‌های سیاست خارجی خود را برای ملت‌ها و دولت‌ها توجیه می‌کند و مشروع می‌سازد.

اینکه ج.ا.ایران در پیگیری و تحقق این اهداف تا چه اندازه موفق بوده و آیا دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران تاکنون توانسته از تمامی قابلیت‌ها و پتانسیل‌های خود استفاده کند، نیازمند بررسی جداگانه‌ای است که از حوصله این بحث خارج است.

منابع و مأخذ

۱. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۹، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
۲. آلا‌دپوش، علی و علیرضا توتون‌چیان، ۱۳۷۲، دیپلمات و دیپلماسی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. انعامی علمداری، سهراب، ۱۳۸۷، «تهدیدات نرم؛ الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده آمریکا در برابر ایران»، گزارش جمهور، ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۲۶ و ۲۷، هجدهم و بیست و چهارم فروردین.
۴. ایزدی، بیژن، ۱۳۷۱، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. _____، ۱۳۸۴، آسیب‌شناسی دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۶. ایزدی، جهانبخش، ۱۳۸۹، دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی، انرژی، هسته‌ای)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۷. بخشایش اردستانی، احمد، ۱۳۷۵، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه انتشارات آوای نور.
۸. پورا‌احمدی، حسین، ۱۳۸۹، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
۹. پیشگاهی فرد، زهرا و بهادر زارعی، ۱۳۸۶، «تأثیر نظم ژئوپلیتیکی اسلام بر سیاست خارجی ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، پاییز ۸۶.
۱۰. تیلر، هامفری، ۱۳۸۷، «به‌کارگیری دیپلماسی عمومی»، در: دیپلماسی عمومی، ترجمه معاونت پژوهش، تهران، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.

۱۱. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، *بصیرت پاسداری*، تهران، اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۲. حجازی، سید حسین، ۱۳۸۷، «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، *گزارش جمهور (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)*، *ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی*، شماره ۲۶ و ۲۷، هجدهم و بیست و چهارم فروردین.
۱۳. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۵، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. داداندیش، پیروش و افسانه احدی، ۱۳۹۰، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره اول، بهار ۹۰.
۱۵. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۳، «نگاهی کوتاه به کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی»، *دانشگاه اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۳ و ۲۴.
۱۶. _____، ۱۳۸۵، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه حوزه*، شماره ۵۷، تابستان www.hazwah.net
۱۷. _____، ۱۳۸۸، *تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل*، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۵ بهمن.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، جلال، ۱۳۸۸ الف، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۹. _____، ۱۳۸۸ ب، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز.
۲۰. ستوده، محمد، ۱۳۸۵، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم، دانشگاه باقرالعلوم، مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. سنبلی، نبی، ۱۳۸۶، «نقش دیپلماسی فرهنگی در پیشبرد منافع ملی»، *نشریه مردم‌سالاری*: ۱۳۸۶ / ۱۲ / ۵.

۲۷۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال اول، پاییز ۹۱، ش ۲

۲۲. شرف‌الدین، حسین، ۱۳۸۴، «مقایسه قدرت نرم آمریکا و ایران»، *سایت باشگاه اندیشه*

<http://www.bashgah.net>

۲۳. طاهایی، جواد، ۱۳۸۸، «امام خمینی و مبانی سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی*

روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، بهار ۸۸

۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. متقی، ابراهیم، ۱۳۸۸، «دیپلماسی عمومی»، *سایت دیپلماسی ایرانی*.

www.irdiplomacy.ir

۲۶. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۵، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه

انگاری» در: *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مجری طرح: نسرین

مصفا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۷. موسوی‌زاده، علیرضا، ۱۳۸۷، «نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران»، *دانش سیاسی*، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۸۷.

۲۸. میلسن، ژان، ۱۳۸۷، «دیپلماسی عمومی نوین: از تئوری تا عمل» در: *دیپلماسی عمومی*

نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ژان میلسن و همکاران، ترجمه رضا کلهر

و محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دبیرخانه همایش عملیات روانی.

۲۹. نای، جوزف، ۱۳۸۶، «قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهان»، *فصلنامه مطالعات*

بسیج، سال دهم، شماره ۳۶.

۳۰. هادیان، ناصر و افسانه احدی، ۱۳۸۸، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه*

بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۸۸

۳۱. هالستی، کی جی، ۱۳۷۳، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و

مسعود طارم سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۳۲. واعظی، محمود، ۱۳۹۰، «تأثیر تحولات جهانی پس از جنگ سرد بر سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره اول، بهار ۹۰.

۳۳. پایگاه‌های اینترنتی:

۳۴. پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا) islamicadatabank.www.com

۳۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی <http://farhang.gov.ir>

۳۶. سازمان تبلیغات اسلامی <http://www.ido.ir>

۳۷. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی <http://www.icro.ir>

۳۸. پورتال جامع اطلاع‌رسانی استان قم <http://www.qomportal.ir>

۳۹. مجمع تقریب <http://www.taghrib.ir/persian/index>

۴۰. آینده روشن <http://www.bfnews.ir/vdca.anik49ny65k14.html>

۴۱. اتحادیه بین‌المللی امت واحد <http://unified-ummah.com>

۴۲. مجمع جهانی صلح اسلامی <http://www.iwpeace.com>

43. -Fitzpatrick, Kathy R, 2007, "Advancing the New Public Diplomacy: A Public Relations Perspective", *The Hague Journal of Diplomacy*, Volume 2, Number 3, October.
- Gilboa Eytan, 2008, "Searching for a Theory of Public Diplomacy", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science* 2008 616: 55. <http://ann.sagepub.com/content/616/1/55>
44. -Nye, Joseph S, 2008, "Public Diplomacy and Soft Power", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*.

